

Consequences of iconoclasm in Christianity and Islam

Mohammad Shafiq Eski

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Mazandaran, Iran (corresponding author), m.shafigh@cfu.ac.ir

Fatemeh Ghorbani Lactarashani

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Mazandaran, Iran fateme_ghorbani2002@yahoo.com

۲۲۳

پژوهشنامه ادیان

Abstract:

Each of the religions have used different fields of art, such as painting, to advance their goals and present their ideas in expressing their principles and manifesting spiritual truths; However, some others have avoided visual expression. Therefore, the religious attitude towards painting can be presented in three categories: symbolic, non-symbolic, and iconoclastic. In a non-symbolic perspective, such as geometric processing in Islamic holy places, art is often mixed with symbolism and the depiction of human and animal bodies is avoided. In the iconoclastic view, the role of sacred images is negation and any artwork with this theme is condemned and condemned to destruction. The victory of the iconoclasm movement in Byzantium against the iconoclasts caused different results among the supporters of Abrahamic religions and marked the beginning of remarkable and remarkable events in theological and artistic fields. This research, using a descriptive-analytical method, examines the consequences of the iconoclasm movement in the two religions of Christianity and Islam. In the end, it was found that the religious attitude towards iconography among the Jews limited the visual arts and neglected the representational arts, and in Christianity, it caused the expansion of geometrical decorations in the church and holy places. This category among Muslims caused the spread of Islamic art, especially abstract art.

Keywords: religious art, iconoclasm, image ban, Islamic art

آثار مترتبه بر شمایل‌شکنی در یهودیت، مسیحیت و اسلام^۱

محمد شفیق اسکی^۲ فاطمه قربانی لاکتراشانی^۳

۲۲۴

پژوهشنامه ادیان

چکیده

هریک از ادیان در بیان اصول و تجلی بخشی به حقایق معنوی از زمینه‌های مختلف هنر چون تصویرگری، جهت پیشبرد اهداف و ارائه عقاید خود استفاده نموده‌اند؛ حال آنکه برخی دیگر، از بیان تصویری پرهیز داشته‌اند. ازین رو نگرش دینی به تصویرگری بر سه قسم شمایی و غیرشمایی، و شمایل‌شکنانه قابل ارائه می‌باشد. در دیدگاه غیرشمایی، مانند پردازش هندسی در اماکن مقدس اسلامی، غالباً هنر با نمادگرایی درآمیخته و از تصویرگری پیکر انسان و حیوان پرهیز می‌گردد. در نگاه شمایل‌شکنانه، نقش تصاویر مقدس، نفی و هرگونه اثر هنری با این مضمون، برخورد و محکوم به نابودی است. پیروزی نهضت شمایل‌شکنی در بیزنس نیز در برابر شمایل‌دوستان، سبب نتایج متفاوتی در میان طرفداران ادیان ابراهیمی گشته و سرآغاز اتفاقات قابل توجه و معتابهی در حوزه‌های کلامی و هنری گردید. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی آثار مترتبه بر نهضت شمایل‌شکنی در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام می‌پردازد. در پایان مشخص گردید که موضع‌گیری مذهبی نسبت به شمایل‌شکنی در میان یهودیان، سبب محدودشدن هنرهای تجسمی و مغفول ماندن هنرهای بازنمودی و در مسیحیت موجبات گسترش تزئینات هندسی در کلیسا و اماکن مقدس را فراهم آورد. این مقوله در میان مسلمانان، سبب گسترش هنر اسلامی، به ویژه هنرهای انتزاعی گردید.

سال ۱۸، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

کلیدواژه: هنردینی، شمایل‌شکنی، تحریم تصویری، هنر اسلامی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

۲. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
m.shafiqh@cfu.ac.ir

۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، مازندران، ایران
fateme_ghorbani2002@yahoo.com

۱. بیان مساله

در ادیان ابراهیمی، علیرغم اشتراکات آموزه‌ای، که منبعث از کلام توحیدی بوده و در تمامی تعالیم انبیاء عظام، در طول تاریخ، جریان و سریان داشته است، می‌توان در برخی از مسائل، خاصه در رویکردها، شاهد برخی از وجوه افتراقی بود که ناشی از تفاوت‌ها در مبانی الهیاتی ادیان است. ادیان بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام، قطع نظر از آموزه‌های توحیدی مشترک، در مقولاتی چون تصویرنگاری یا همان شمایل‌نگاری دارای اختلاف می‌باشند. از تحریم و تحذیر، تا پذیرش مشروط، جملگی از مصادیق وجوه متمایز رویکردهای این ادیان، به مسأله مورد نظر می‌باشد. حال این سوالات مطرح می‌گردد که چه رابطه‌ای میان تصویر و تحریم وجود داشته و تفاوت ریشه‌ای در ادیان الهی نسبت به کاربست هنر تصویرگری در ارائه مضامین مقدس چه بوده است؟ باورهای مختلف در این حوزه سبب ساز چه نتایج هنری در این ادیان گردیده است؟ جهت درک علت و چرایی تفاوت‌ها در موضع‌گیری‌های ادیان نسبت به مسأله شمایل‌شکنی، در ابتدا به بررسی سیر تاریخی این مقوله در ادیان ابراهیمی پرداخته و آثار و نتایج مترتب بر آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه بررسی فرآیند کاربست شمایل‌انگاری^۱ در دین اسلام، مسیحیت و یهود صورت گرفته است. از سری کتاب‌هایی که نویسنده در آثار خود به این مفاهیم و سیر تاریخی آن پرداخته است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- کتاب «ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی» اثر (تیتوس بورکهارت) (۱۳۹۶ش)؛
- کتاب «تاریخ تفکر مسیحی» اثر «تونی لین» (۱۳۸۶ش)؛
- کتاب «هنر اسلامی» اثر «دیوید تالبوت رایس» (۱۳۸۴ش)؛
- کتاب «نگارگری اسلامی» اثر «ثروت عکاشه» (۱۳۸۰ش)؛
- کتاب «شکل‌گیری هنر اسلامی» اثر «الگ گرابار» (۱۳۷۹ش)؛

همچنین از سری مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مقاله «اسلام و تمثال ستیزی» اثر «صالح طباطبایی» (۱۳۸۵ش)؛
- مقاله «سابقه تاریخی حرمت تصویرگری در اسلام» اثر (نصرالله پورجوادی) (۱۳۸۰ش)؛

اگرچه آثار فارسی فوق، در حوزه هنر اسلامی و مسیحی و نیز در بررسی تفاوت‌های الهیاتی در ادیان ابراهیمی صورت پذیرفته‌است، اما پژوهشی که به شکل مستقل آثار مترتب از شمایل‌نگاری بر ادیان ابراهیمی را مورد بررسی قرار دهد، صورت پذیرفته است. با عنایت به این مساله، رویکرد هر یک از ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، در خصوص شمایل‌نگاری مورد تفصیل و توجه قرار خواهد گرفت.

۲۲۶

پژوهشنامه ادیان

۲-۱ مفاهیم نظری

الف- شمایل‌نگاری:

شمایل‌نگاری چگونگی ترسیم یک موضوع بر حسب محتوای تصویر است (میرشکاری: ذیل واژه شمایل‌نگاری). اصطلاح یونانی «Eikon» در معنای تصویر است. دایره المعارف‌های هنر و ادیان به واژه شمایل‌نگاری پرداخته‌اند. از لحاظ واژه شناسی، واژه «Graphy» در معنای حک کردن و تصویر کردن آمده است. تقدیس تصاویر در قالب شمایل‌نگاری بوده و این موضوع در هر قومی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی دارد. شمایل‌نگاری در سنت‌ها و ادیان مختلف، فارغ از مولفه‌های هنری شخص یا هنرمند بوده و فرد حق دخالت توهمات و تخیلات را ندارد (رک: غلامیان، ۱۳۹۶ش: ۲۵-۳۶).

همچنین تحقیقاتی از تاریخ هنر که به استعمال مدرن، به معنای توصیف و یا تفسیر محتوایی آثار هنری و ارتباط آن با اندیشه‌ها و جهان بینی بشری می‌پردازد، صورت پذیرفته و در این میان شمایل‌نگاری در توجیه امور مافوق طبیعی و ماورایی مورد کاربرد قرار گرفته است (نصری، ۱۳۹۷ش: ۲۵-۲۶).

در سراسر دوره حاکمیت بیزانس، هنر معماری از رشد تقریباً خوبی برخوردار بود. در حالی که هنرهای تجسمی (نقاشی و پیکرتراشی) در سده‌های هشتم و نهم میلادی، شدیداً صدمه دیدند و موضوع مشاجرات قرار گرفتند. این مشاجرات، منجر به جنبشی تحت عنوان «شمایل شکنی» شد که محور آن استفاده از شمایل‌ها و تصاویر در کلیساها بود. از این رو در سال ۷۲۶ م (بنا به روایت

دیگر سال ۷۳۰ م) امپراتور «لئوی سوم» فرمانی صادر کرد و نصب تصاویر را در کلیساها قدغن اعلام کرد. هنرمندان مجبور شدند یا به روم غربی که این فرمان در آن جاری نبود، مهاجرت کنند و یا اگر می‌خواستند در بیزانس بمانند، استعدادشان را در جهت موضوعاتی که فرمان مزبور شامل آن نمی‌شد، به کار گیرند. قوانین شمایل‌شکنانه امپراتور لئو، نخستین بار به صورت منع پرستش تصاویر جلوه‌گر شد (عباسی، ۱۳۸۸ش: ۷۵).

بنابر توضیحات ارائه شده، آنچه که تحت عنوان شمایل‌شکنی در پژوهش پیش رو مورد نظر می‌باشد، همان تصویرگری در حوزه مسائل الهیاتی است و رویکرد ادیان با این پدیده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲۲۷

پژوهشنامه ادیان

۲- سیر تاریخی شمایل‌انگاری در ادیان ابراهیمی

کاربست هنر در تجلی بخشی به مفاهیم اعتقادی، پدیده‌ای است که در طول تاریخ صورت پذیرفته و کاربرد هنر در میان طرفداران ادیان مختلف کاملاً مشهود است. ازین رو در ادامه سیر تاریخی کاربرت هنر تجسیم و تصویر در خدمت مسائل الهیاتی و موضوعات ماوراءالطبیعی ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- یهودیت

بررسی سیر شمایل‌انگاری را باید با نگاهی بر دوران یهود و فرازهای کتاب تورات مورد بررسی قرار داد. برای نمونه در عهد عتیق، از تقدیس و تکریم تصاویر، با عنوان بت‌پرستی بنی‌اسرائیل در پرستش‌گاه‌ها یاد شده است: «پس داخل شدم و دیدم که بر روی دیوارها، تصاویر مار و حیوانات زشت و ناپاک و بت‌های اسرائیل نقش شده است. هفتاد نفر از بزرگان اسرائیل با یازنیا (پسر شافان) آنجا ایستاده بودند و آن تصاویر را پرستش می‌کردند. هر یک از ایشان، آتشدانی پر از بخور در دست داشت و ابر غلیظی از دود بخور، بالای سرشان تشکیل شده بود (حزقیال ۸/۱۱). باید گفت که ابتدایی‌ترین ممنوعیت‌ها و مقاومت‌ها در برابر تصاویر و مقدس شمردن شمایل‌ها به احکام ده‌گانه حضرت موسی و به دین یهود بر می‌گردد. بنابر فرمان‌های ده‌گانه حضرت موسی، تصاویر و شمایل، مورد تحریم قرار گرفته (سفر خروج، باب ۲۰)، به این دلیل که موجب رواج بت‌پرستی می‌شود. شریعت موسی، به رغم صور خیال و توصیف‌های تجسمی موجود در کتاب مقدس، به

طور قاطعانه‌ای به نفی و ممنوعیت بازنمایی خدا و مخلوقات حکم داد. این ممنوعیت را می‌توان در آیات ذیل نیز ملاحظه نمود. برای نمونه در پاک سازی ذهن انتزاعی از تصویرسازی خداوند آمده است:

«صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آن چه بالا در آسمان است و آن چه پایین در زمین است و از آن چه آب زیرزمین است، برای خود مساز» (سفر خروج، ۴:۲۰) و «پس احتیاط نمائید مبدا عهد یهوه، خدای خود را که با شما بسته است فراموش ننمایید و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت به تو نهی کرده است، برای خود بسازی» (سفر تثنیه ۴:۲۳)

همچنین در فرازی از تورات به ممنوعیت بت‌سازی و تمثال پروری برای پرستش اشاره شده و آمده است:

«با من خدایان نقره مسازید و خدایان طلا برای خود مسازید» (سفر خروج ۳۲:۲۰) و یا «برای خود بت‌ها مسازید و تمثال تراشیده و ستونی به جهت خود برپا ننمائید و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا به آن سجده کنید زیرا که من یهوه خدای شما هستم» (سفر لاویان ۱:۲۶) این عبارات در تورات به عنوان یک حکم دینی مورد توجه یهودیان قرار گرفته و با سرسختی به مقابله با آن پرداخته می‌شد. در علت این ممنوعیت آمده است:

حکم به چنین ممنوعیتی، در درجه نخست به ادله شرعی باز می‌گردد و اینکه بتوان جامعه مؤمنان را در برابر بت‌پرستی مصون نگاه داشت. دلیل قلت آثار هنری در میان یهودیان نیز به دلیل این ممنوعیت بوده که می‌توان آثار آن را در افعال و افکار مسیحیان اولیه مشاهده نمود (نصری، ۱۳۹۷ش: ۱۰۵-۱۰۴). بنابراین جریان غالب یهود، شمایل‌ستیزی بوده است، به نحوی که بسیاری از محققان، شمایل‌ستیزی سامی را تحت تاثیر این دین می‌دانند. بعدها این سنت یهودی که با تکیه بر کتاب مقدس، کاربرد تصاویر و شمایل‌های مقدس را در عبادات و آداب نیایش ممنوع اعلام کرده بود، در منطقه شرقی مدیترانه، با سنت یونانی روبرو شد. این نظریه نوافلاطونی، که نماد مادی حاکی از واقعیتهای معنوی است و تصاویر و شمایل‌های مقدس کارکرد تعلیمی دارند، در برخی جوامع یهودی، منتهی به رشد و شکوفایی هنر شمایل‌نگاری شد. نقاشی‌های دیواری از شخصیت‌های کتاب مقدس، بر روی دیوارهای کنیسه دورا-اروپوس، از این نمونه است (رک: نصری، ۱۳۹۷، ۶۰-۶۲) یهودیان در احکام خود بسیار سختگیرانه عمل نموده و در موضوع

شمایلینگاری، نیز سیاست نابودی و تحریم را در پیش گرفتند. «فیلون اسکندرانی» در این خصوص معتقد است:

شمایلیشکنی، اولین بار در میان یهودیان رایج شد؛ چرا که در تورات، ساختن هر چیزی شبیه خداوند یا هر موجود زنده‌ای منع شده و سازنده آن مورد لعن خدا قرار گرفته است. موسی، بدین سبب نقاشی و مجسمه‌سازی را تحریم کرد که آن‌ها به قلب حقیقت می‌پرداختند. حضرت موسی، هنرهای نقاشی و مجسمه‌سازی را مطرود می‌دانست؛ زیرا سبب می‌شد حقیقت با خطا مخدوش شود. منعی که در یهود، نسبت به شمایل‌نگاری مطرح است، به همه موجودات زنده تسری می‌یابد. یهودیان، قرن‌ها با وسواس زیاد، حکم شریعت را درباره تصاویر رعایت می‌کردند. البته یهودیان در قرن دوم میلادی، آن حکم را نادیده گرفتند، اما در قرن پنجم، دوباره آن را اجرا کردند و تصاویر را نابود ساختند (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۵). بنابراین مقوله شمایل‌نگاری، محدود به تصویرسازی در موضوعات مقدس نبوده و شامل هر گونه تصویر بوده است. با این وجود هریک از ادیان ابراهیمی مظاهر تبرک و تقدسی برای ایشان وجود داشته و تلاقی حفظ روحانیت و معنویت در هر دین آسمانی، همراه با ذکر نام و یاد اماکن و یادمان‌های مقدس بوده است:

به رغم آیات عهد عتیق که رویکرد مساعدی نسبت به تصویر ندارد، اما به امور تجسمی نظیر «تابوت عهد»، «هیکل سلیمان» و سایر اماکن مقدس اشاره دارد. علاوه بر این، در عهد عتیق، معبد، همچون مکان تجلی و ظهور خداوند است که چنین نگرشی با دیدگاه تنزیهی یهودیان در تعارض است (نصری، ۱۳۹۷ش: ۱۰۰).

همچنین در هنرهای کنیسه‌ای می‌توان صحنه‌های تاریخی کتاب مقدس را به صورت نقاشی‌های روی دیوار و موزاییک به شکل نقوش و نگاره‌های انسانی و حیوانی، مشاهده نمود. البته این بدان معنا نیست که هنر تصویری هیچ ابزار بیان و ظهوری در میان یهودیان نداشته است؛ بلکه منظور شدت محدودیت آن است. «بورکهارت» در این باره آورده است:

در خصوص دیدگاه تنزیهی یهودیان، ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که بسیاری از محققان، شمایل‌ستیزی مسلمانان را در راستای تحریم‌های عهد عتیق می‌دانند، از این منظر، رویکرد تنزیهی اسلام به یهودیت نزدیک است. البته اسلام، با تسامح بیشتری نسبت به یهودیت با تصویر برخورد می‌کند، بدین خاطر در مورد دین اسلام، از اصطلاح منع شمایل‌نگری، به جای شمایل‌شکنی استفاده می‌شود (بورکهارت، ۱۳۸۶ش: ۷۱).

بنابراین دین یهود در اجرای احکام خود به ویژه در این مقوله بسیار با حساسیت برخورد می‌نموده است.

۲-۲. مسیحیت

مقوله شمایل‌نگاری را در عهد جدید می‌توان از تمام آیاتی که به نحوی با تجسد مسیح مرتبط است، استنباط نمود. این آیات به ویژه در انجیل یوحنا بروز و نمود بیشتری دارد: «عیسی به عنوان «کلمه» از آغاز با خدا و در واقع خود خدا بوده‌است. او آن کلام آفریننده‌ای است که همه چیز به واسطه او به وجود آمد، آن کلام روشنگری که دنیای تاریک را منور ساخت تا مکاشفه خدا را بر آدمیان مکشوف سازد: «او همان نوری است که در تاریکی می‌درخشد و تاریکی هرگز نمی‌تواند آن را خاموش کند.» (یوحنا: ۱-۵) این آیات ذات اله و تجسد او را در قاعده پدر و پسر (کلمه) توجیه می‌نماید. این تجسد و تصویرسازی آن، نقطه آغاز مناقشات مساله شمایل‌شکنی بوده است. اوسپنسکی در این باره آورده است:

«کلمه» در فرهنگ مسیحیت نزدیک‌ترین مخلوقات خدا به خداست. او ابزار خلقت است. گاه خود خداست و گاه تجلی اندیشه خدا در جهت خلقت است و در کتاب مقدس خود مسیح است و مسیح نیز خداست. از این رو شمایل، از آنجا که در ذات خود، مانند کلمه است، یک هنر دینی است، بنابراین بمانند کلمه، همواره جزء درونی دین بوده و هست، و لذا به منزله وسیله‌ای برای شناخت خدا و وسیله‌ای برای ارتباط با او عمل می‌کند. بر اساس برخی روایت‌ها و افسانه‌ها، نخستین شمایل مریم، بواسطه لوقای انجیل‌نگار ترسیم شده است. منتهی وی نتوانست به ترسیم چهره مریم پردازد. بنابراین فرشتگان بدون مداخله هیچ نیروی انسانها به ترسیم چهره مریم پرداختند (اوسپنسکی، ۱۳۸۸ش: ۳۹ و ۴۳).

مسیحیت در قرون اولیه، آثار هنری مستقلی نداشت. فقدان هنر مذهبی در طول دو قرن اول کلیسایی، مبتنی بر این حقیقت است که مسیحیان اولیه تحت تاثیر جامعه یهودیان، به سختی به فرمان‌های ده‌گانه موسی (ع) پایبند بوده و این احکام را رعایت می‌کردند. علیرغم فقدان آثار باستانی مربوط به این دوره زمانی، وجود برخی منابع مکتوب، گویای مخالفت با ساخت تصاویر هنری به شیوه‌ای کفر آمیز و بت پرستانه است (مک فارلند، ۲۰۱۱م: ۲۳۱).

شواهد بسیاری دال بر تاثیر پذیری هنر مسیحی، از نفوذ فرهنگ جامعه رومی آن زمان موجود است. در حقیقت تاثیر پذیری جامعه مسیحیان از این سنت‌های هنری بدین واسطه بود که نه جامعه یهود و نه جامعه صدر مسیحی، از میراث هنری مشخص و مختص به خود بهره‌ای نداشتند (جنسن، ۲۰۱۱م: ۱۰۵: ۹).

مسیحیت با تکیه بر اندیشه‌های یهودی و با نفوذ و اقتدار در دستگاه سیاسی و دینی رشد چشمگیری یافت و موضوع هنر دینی مقتبس از آموزه‌های کتاب مقدس در این مسیر مورد توجه قرار گرفت.

در مسیحیت «اصطلاح شمایل، برای اشاره به تصاویر مقدسی بکار می‌رود که مسیحیان شرق اروپا و خاورمیانه، بدون عطف توجه به ماده و تکنیک آنها مورد پرسش قرار می‌دادند (نصری، ۱۳۹۷ش: ۳۵). بنابراین شمایل به معنای خاص، به کلیسای شرق (ارتدوکس) تعلق دارد. از نظر کلیسای ارتدوکس، شمایل، بازنمایی نمادین و مشخصی است که ما را به فراتر رفتن از نماد و ارتباط با فرد بازنمایی شده، دعوت می‌کند و همچنین به امر نامحسوس و غیرقابل توصیف می‌پردازد. متألهان ارتدوکس در دفاع از شمایل، بر این عقیده‌اند که مسیحیت، انسان را از بند بازنمایی اسطوره‌شناختی و بت‌پرستانه در کل تاریخ هنر رها ساخت و با طرد این رویکرد منفی و ارائه شمایل‌ها که بازتاب انسانیت مسیح بودند، رویکرد مثبتی را نسبت به جسم انسان طرح کرد. از این منظر، رواج و گسترش شمایل‌ها بدون دلیل صورت پذیرفت که انسانیت مسیح، شمایل الوهیت وی بوده است (رک: همان).

بقایای هنر اولیه مسیحی، از نیمه اول قرن سوم میلادی، نشانگر بسترهای گوناگون یونانی و رومی و تاثیرات آنها بر هنر مسیحی است. برخی از تصاویر و شمایل‌های موجود در شمایل‌نگاری کلیساهای اولیه، شباهه دقیقی به آثار نقاشی رومیان غیر مسیحی هم عصر خود دارد، تا آنجا که اولین نمونه‌های شمایل‌نگاری مسیحی، از شمایل‌نگاری اواخر دوران باستان وام گرفته شده است که با تغییراتی در آن و با بکارگیری طلا و جواهرات و هنرهای دیگر، همچون هنر موزاییک‌کاری، به حیات خود ادامه می‌دهد (کوک، ۲۰۰۵: ۴۳۴۴). در باره تاثیر و تاثرات فرهنگ‌های رومی و یهودی بر هنر مسیحی، برخی باستان‌شناسان و مورخان معتقدند، شمایل مسیح، مریم عذرا و مردان خدا، چنین می‌نماید که شمایل‌نگاری، به سنت شرک باز می‌گردد، همچون تصویرگری تمثال امپراطوران و چهره‌سازی مردگان و به احتمال زیاد، در میان نسل‌های

اولیه مسیحیان وجود داشته است (بیالوستوکی، ۱۳۸۵ش: ۱۶۹۷). با توجه به وجود بسترهای گوناگون فرهنگی، همچون فرهنگ یونانی - رومی، کم کم شمایل‌ها در مسیحیت رواج یافت. پرده‌های فراوانی از مصیبت‌های مسیح و حواریون و مریم عذرا و نیز از شمایل عیسی مسیح فراهم شد و حتی دست‌هایی کوشیدند شمایل پروردگار را به تصویر بکشند. بنابراین در غرب، پیکره سازی و در شرق، نقاشی رواج یافت. این شمایل‌ها و پیکره‌ها به زودی پرستندگانی یافت؛ آنچنان که مسیحیان ارتدوکس در برابر آنها زانو می‌زدند و بر آن بودند که این شمایل‌ها، نیروهای فوق العاده ای دارند (گتر، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۵۰). پایه‌های اعتقادی شمایل‌ها، رسماً در شورای ترولان (بین سال‌های ۶۹۱ و ۶۹۲ م.) در ارتباط با تغییر نمادگرایی بنیان گذارده شد. در جریان گسترش شمایل‌نگاری، قانون شورای ترولان، مرحله مهمی را رقم زد. زیرا برای اولین بار به طور اصولی برای هنر کلیسایی، مسیر مشخصی تعیین شد (اوسپنسکی، ۱۳۸۸: ۳۰). در این شورا که در سال ۶۹۲ م. در قسطنطنیه، تحت نظارت امپراتور ژوستین دوم برگزار شد، ۸۲ حکم به تصویب رسید؛ از جمله اینکه تصاویر و شمایل‌های مسیحی مشروع هستند و از طرف کلیسا پذیرفته می‌شوند و حتی در آیین‌های نیایشی کلیسا، ضروری و حیاتی در نظر گرفته می‌شوند؛ چرا که رستگاری و نجات به واسطه شمایل عیسی مسیح برای مومنان مسیحی تداعی خواهد شد. شورای کلیسایی حتی تصمیم به منع بازنمایی مسیح در قالب نمادهایی همچون بره که در هنر غرب محبوب واقع شده بود، گرفت و هنرمندان را بیشتر ترغیب و تشویق به ترسیم شمایل‌های مقدس با صورت و اندام انسانی نمود (مگگ گاکین، ۲۰۱۱: ۳۳۱). توام با هنر نقاشی که برای تزئین کلیسا بکار می‌رفته است، هنرهای دیگری نیز وجود دارد که در خدمت کلیسا بوده اند؛ مانند هاله‌های گرد سر مقدسان، ترصیع شمایل‌ها، ساختن شمعدان‌ها و چلچراغ‌ها، خامه دوزیهای گران بهای جامه‌ها و طیلسان‌ها، صلیب سازی، ساختن ظروف مقدس جواهر نشان، تهیه بیرق‌ها و علم‌های کلیسا و نیز کنده کاری‌های روی عاج (وزیری، ۱۳۷۳ش: ۲۷۹). سنت ارتدوکس مدعی است شمایل‌های مقدس به هنر صدر مسیحیت باز می‌گردد و از همان ابتدا در کلیسا حضور داشته است. آنها این مسأله را با استناد به صورت اولیه یا صورت حقیقی و نیز تصویری از مریم مقدس ثابت می‌کنند که به قدیس لوقا نسبت داده شده است. با وجود این، هیچ اثر تاریخی مربوط به شمایل‌نگاری مسیحی از قرون اولیه مسیحی خصوصاً از قرن اول و دوم میلادی باقی نمانده است (فورتونتو، ۲۰۰۹: ۱۳۷). شمایل‌های مسیحی، پس از قرن چهارم میلادی و در عصر بیزانس، رشد و شکوفایی بسیاری

داشتند. موضوعات این شمایل‌ها بیشتر مربوط به ادوار تاریخی رسالت مسیح، معجزه و صحنه‌هایی از زندگی او و پس از آن معرفی وقایع زندگی قدیسان و تاریخ کلیسای مسیحی بود (پری، ۲۰۰۷: ۳۶۹) در نقاشی‌های دیواری در کلیساهای بزرگی همانند کلیسای جامع، موضوعات اصلی حاوی مسیح و مریم مقدس بود که به واسطه پیوند الهی بین کلیسا و مسیح، سبب اجتماع قدیسان و ارتباط معنوی ایشان با خدا می‌گردید (براندون، ۱۳۸۵ش: ۱۲۹). دوران امپراتوری ژوستینین، نخستین عصر طلایی هنر بیزانسی خوانده شده است (اسکندری، ۱۳۷۸ش: ۲۰۱). براین اساس، دوران رونق و شکوه امپراتوری بیزانس، بین قرون چهارم تا ششم میلادی در نظر گرفته می‌شود. در مقابل این دوران، عصر تاریک، بین قرون هفتم تا نهم میلادی به وقوع پیوست؛ خصوصاً زمانی که مجادلات شمایل‌شکنان و شمایل‌گرایان شدت یافت (پری، ۲۰۰۷: ۷۳).

جریان جدال با شمایل و تصاویر مقدس، که از سال «۷۲۵» میلادی، در دوره امپراتور، «لئوی سوم، ایسوریایی»، و به دستور و فرمان او شروع شد، در دوره «گنستانتین پنجم» به اوج خود رسید، بگونه‌ای که در دوران او، بیشترین تخریب آثار هنری صورت گرفت (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶ ش: ۶۷/۲). در طول این دوره‌ها، جریان شمایل‌شکنی، برای فتره‌ای متوقف، از شمایل دوست حمایت (در دوره امپراتریس ایرنه (۷۸۰-۸۰۲))، و سپس در دوره‌ای بعد؛ یعنی از سال «۸۱۳» زمان حکومت «لئوی پنجم ارمنی، (۸۱۳)» موج دوم آن آغاز، و تا پایان مرگ امپراتور، «تئوفیلوس (۸۲۹-۸۴۲)» ادامه یافت. پس از مرگ وی، جریان شمایل‌شکنی، که بیش از صد سال بطول انجامید، به پایان رسید و شمایل‌دوستان، قاطعانه پیروز شدند (همان: ۶۸). هفتمین شورای کلیسا در تأیید پیروزی ستایشگران تصویرهای مقدس، تصمیم خود را با کلمات زیر موجه ساخت:

«خداوند، در ذات خویش، و رای هر گونه توصیف و تصویر ممکن است، ولی از آنجا که کلمه الهی، طبیعت انسانی به خود گرفت و آن را با آمیختن با جمال الهی به صورت اصلی خود بازگردانید و با آن وحدت یافت. خداوند را می‌توان و باید از طریق صورت انسانی عیسی مسیح، ستایش کرد.» (اعوانی، ۱۳۷۵ش: ۳۰۳).

غلبه قطعی شمایل‌گرایان در تقدیس شمایل‌ها، در یکشنبه مقدس سال ۸۴۳ م، اتفاق افتاد. در این سال، شورای عام کلیسایی در شهر قسطنطنیه برگزار شد و با حضور کثیری از مردم در کلیسای ایاصوفیه، شمایل‌ها برای همیشه اعاده شد و جشنی به مناسبت این پیروزی و رویداد مهم، در کلیسای ارتدکس برپا گشت (غلامیان، ۱۳۹۶ش: ۸۵). نتیجه آنکه شورای عالی کلیسا در نیقیه،

تقدس شمایل‌های مسیحی را به رسمیت شناخت و اعلام کرد همانگونه که کلام الهی، منبعث از منشأ فیض و راهبر و برانگیزاننده مؤمنان با سواد است. شمایل‌ها هم همان نقش را در تحکیم ایمان مؤمنان عامی و بی‌سواد دارد و همانند کتاب مقدس، از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است و باید به آنها به دیده تکریم نگریست. اعتقاد قطعی به تجسد عیسی مسیح، در نان و شراب مقدس، ترسیم عیسی و قدیسان را نه تنها میسر، بلکه ضروری می‌کند. تکریم و اعزاز شمایل‌ها فی‌نفسه برای خود شمایل‌ها نبوده، بلکه بدین جهت است که نمادی از تکریم حضرت عیسی است. نزاع و مجادله با شمایل و تصاویر مقدس، از طرفی با رویکردی اعتقادی صورت پذیرفت؛ یعنی تضاد میان دو آموزه الهیاتی و دو دیدگاه هنری الهام گرفته از الهیات، و از طرفی دیگر، به داعی و انگیزه سیاسی؛ چرا که بسیاری از امپراتوران شمایل‌شکن، به ویژه «لئوی پنجم». سرباز و دولتمرد بودند، نه متکلم، به همین خاطر می‌خواستند اولاً شاهد آشتی میان مسیحیان و گروه‌های بی‌شماری، از جمله مسلمانان، یهودیان و مانویان باشند که تصاویر، مورد تأییدشان نبود، و ثانیاً قصدشان تضعیف روحانیت بود؛ چرا که این کار را شرط لازم حفظ قدرت مطلق خود می‌دانستند (رومبلد، ۱۳۷۴ ش: ۲۸۷).

هنر در مسیحیت همواره در این تضاد قرار گرفته که از یک سو، طبق منابع عبری و منعی که بر آن تاکید داشته، عادت به رسم تصاویر داشته و در مقابل طبق آموزه‌های دینی، عیسی (ع)، به عنوان موجودی الهی و قدسی در قامت بشر ظهور داشته است.

سنت کلیسا، رد پای اولین شمایل‌ها را به دوره خود مسیح و دوره بلافاصله پس از و دنبال می‌کند (اوسپنسکی، ۱۳۸۸ ش: ۳۳). اعتقاد رایج در کلیسای شرقی بر این است که نخستین شمایل در زمان حیات عیسی مسیح پدید آمد. از این شمایل با عنوان صورت مقدس یا صورت حقیقی نام می‌برند که بدون دخالت انسان پدید آمده است (نصری، ۱۳۸۸ ش: ۳۹).

به طور کلی، شمایل‌نگاری در مسیحیت از بُعدی قدسی برخوردار است. این قدسی بودن در باور مسیحیان، به استناد روایتی، منتسب به حضرت عیسی است، زیرا وجه تشبیهی حق، عیسی مسیح بوده و شمایل‌نگاری یک هنر کاملاً دینی و قدسی به حساب می‌آمده است (رک: پازوکی، ۱۳۹۶ ش: ۸۴).

اینطور بنظر می‌رسد که با وجود حکم شرعی حرام دانستن تندیس و تصویر در یهود، مسیحیت نظر متفاوتی درباره نقاشی داشته و آن را مفید ایمان مومنان در یادآوری تعالیم کلیسا می‌دانسته‌اند:

«هنر بیزانس، آن چنان با دین آمیخته بود که یوحنا دمشقی چنین نوشته: «اگر کافری نزد شما آمد و گفت: دین خود را نشانم دهید، ... او را به کلیسا ببرید و در مقابل تصاویر مقدس بنشانید» (تاتاریکیویچ، ۱۳۹۶ش: ۶۶) ابن عربی، در «فتوحات مکیه» درباره هنر شمایل‌نگاری به عنوان یک هنر دینی برخاسته از مسیحیت آورده است:

«اصول آنها (عیسویان ثوانی یا عیسویان متأخر) توحید تجرید از طریق مثال است. چون وجود عیسی (ع) از ذکوریت (نکاح) بشری نبود، بلکه از جهت تمثیل روح در صورت بشر بود. پس آنان در کلیساهایشان، مثال‌هایی را تصویر می‌کردند و با توجه به آنها بود که در جان خویش عبادت می‌نمودند؛ زیرا که اصل پیامبرشان (ع) از تمثیل بود. پس این حقیقت تاکنون در امت او سریان دارد و چون شرع محمد (ص) آمد، از صورت نهی نمود؛ در حالی که او حاوی حقیقت عیسی بود و شرع او شرع عیسی (ع) را در برداشت. از این رو وی برای ما تشریح کرد که خدا را چنان بپرستیم که گویی او را می‌بینیم و (با این کار) او را در خیال ما وارد نمود و این همان معنای تصویر است (ابن عربی، ۱۴۰۶ ق: ۳۶۰-۳۶۱).

بنابراین شمایل‌نگاری در صدر مسیحیت، غالباً در صدد بیان آموزه‌های دینی مسیحیان بوده و تنها نمود هنری نداشته است. این اقدام در صدد بازنمایی امور محسوس و بیشتر نامحسوس با محتوایی معنوی و مقدس در بازتاب ملکوت الهی بوده است:

«پانتوکراتور» واژه‌ای است در انجیل، که به قدرت و عظمت خداوند خالق (حاکمیت مسیح) اشاره دارد. برخی از شمایل‌های مسیح، خصوصاً در کلیساهایی ارتدوکس، معرف عیسی پانتوکراتور هستند؛ یعنی مسیح را در پچه‌ای می‌دانند که از آن نور خداوند ساطع می‌شود (کوماراسوآمی، ۱۳۹۳ش: ۳۷). شمایل‌ها همانند کتاب مقدس، بیان امور غیرقابل بیان بوده و به خاطر وحی خداوند که در تجسم پسر نمود می‌یابد، ممکن شده‌اند (اوسپنسکی، ۱۳۸۸ش: ۱۷).

نکته جالب توجه آنکه در غالب شمایل‌ها، مقام الوهیت پروردگار پیوندی با تصویر حضرت عیسی (ع) داشته و بُعد انسانی ایشان را تحت الشعاع بُعد الهی قرار داده است:

برجسته‌ترین محتوای شمایل‌ها، ارائه آموزه‌های مسیح شناختی یا (Christological) است؛ چرا که مطابق مبانی مسیح‌شناختی، مسیح، شمایل خدای نامحسوس است. «دیونوسیوس مجعول» و سپس «یوحنا دمشقی» هم اذعان دارند که مسیح، صورت محسوس امر نامحسوس است و شمایل وی در عین حال هم تصویر خدا و هم تصویر انسان است. انسانیت مسیح از آن جهت در

شمایل‌های مسیحی مورد تأکید قرار می‌گیرد که واسطه‌ای برای انتقال وحی و بیانگر حقیقت آسمانی وی است (نصری، ۱۳۹۷ش: ۴۲).

نقاشی در حقیقت ناب‌ترین فرانمود زیبایی‌شناسی دینی و معنوی بی‌زانس محسوب می‌شود که استفاده از آن نه صرفاً برای عبادت خداوند، و بلکه برای بازنمایی او و قدیسان نیز بکار می‌رفته است (تاتارکیویچ، ۱۳۹۶، ص ۶۵). اگرچه نهضت شمایل‌شکنی توسط شورای مرکب از اسقف‌های کلیسای شرقی، تمثال‌پرستی را به عنوان عملی شنیع برشمرده و آن را وسیله شیطان در بت‌پرستی مجدد دانست و امر بر محوسازی تمثال‌ها از کلیسا نمود. (بازارگاد، ۱۳۶۵ش: ۱۲۱).

نکته مهم آنکه هدف اصلی در این آثار هنری، نمایش و تصویرگری روح انسان بوده است. در این تصاویر به آشکارسازی ذات انسان پرداخته و با نمایش آن پیش‌نمون‌ها، نگاه آدمی را به امور جاودان و پروردگار معطوف می‌سازد. از این رو حاصل کار، تابلویی صرفاً تماشایی نبوده، بلکه توجه دادن انسان به محتوای نهفته‌ای است که با تأمل و تفکر عمیق حاصل می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت، مسیحیت شرقی «شمایل‌ها» را بازتاب سنت موجود در کلیسا می‌داند و با ترویج شمایل‌ها به انتقال آموزه‌های مسیحیت به نسل‌های بعدی پرداخته است.

۲-۳ اسلام

طبق دیدگاه توحیدی اسلام، خداوند از هرگونه تشبیه و تجسیم و محدودیت مبراً بوده و با فلسفه پرهیز از آداب بت و تمثال‌پرستی، دیدگاه تنزیهی خود را در تصاویر اسلامی اعمال نمود:

«پرهیز از خلق تصاویر و یا ساخت پیکره‌های انسانی و جانوری در اسلام نیز بر پایه شأن تنزیهی شکل پذیرفت. شاید یکی از دلایلی که مجسمه‌سازی و نقاشی، به وجهی در اسلام نهی شده این است که تشبیه، به جایی نرسد که چیزی از تنزیه حق باقی نماند» (پازوکی، ۱۳۹۶ش: ۸۷).

طبق اخبار آیات و گزارشات تاریخی، ظهور اسلام در میان عرب جاهلی، همراه با انواعی از آئین‌های مشرکانه و سرشار از پرستش اصنام و بت‌های خودساخته بوده و در مقابل آموزه‌های قرآن، تأکید بر نفی نمادهایی دال بر تجسیم و شرک داشته است:

پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه و بعد از طواف، کمربندی از سیصد و شصت بت در اطراف کعبه را که هر یک، به یک روز سال قمری اختصاص داشت، یکی را پس از دیگری واژگون نموده و در عین حال این آیه قرآنی را تلاوت می‌فرمود: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ

كَانَ زُهَوًّا بَغْوًا أَي پیامبر که حق آمده و باطل نابود شده است، همانا باطل نابود شدنی است. (اسراء/ ۸۱) رسول خدا (ص) دستور دادند تا تمام بت‌ها و تصاویری از آداب و رسوم مشرکان به غیر از نقاشی‌هایی از حضرت مریم (س) و عیسی (ع) که یک هنرمند بیزانسی رسم نموده بود، نابود گردد. این حکایت نمایشگر معنا و مفهوم آن چیزی است که شمایل‌شکنی اسلامی نامیده می‌شود و بهتر است آن را عدم گرایش به شمایل‌نگاری نامید (اعوانی، ۱۳۷۵ ش: ۲۹۸ و ۳۰۰). بنابراین در نظر اسلام، ویران ساختن بت‌ها و کنار نهادن هر تمثیلی نشان از احیای یک امر واجب است که سبب تطهیر قلب، برای وصال به توحید و شهادت به یکتایی خداوند است (بورکهارت، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵-۱۵۴).

می‌توان نتیجه گرفت که دو رفتار متفاوت رسول خدا (ص) در قبال تمثال حضرت مریم (س) و عیسی (ع) و بت‌ها و سایر تماثیل، در حقیقت تصویرسازی مرتبط با ذات اله بوده و تجسیم پروردگار در هر قالبی، برابر با شرک مطلق است. همچنین تصویر نمودن انبیاء الهی و رسولان و اهل بیت (ع) نیز در معنای نفی پرستش نبوده و در جهت حرمت نمودن به اولیائی است که جانشین خداوند بر روی زمین هستند. ازین رو هنر تصویر می‌تواند با رعایت حدود اسلامی در این حوزه با آموزه‌های دین تلفیق شود و هر چیزی که به شکل موقت و یا پایدار تصور ایجاد بت داشته و میان فرد خداوند مانعی ایجاد نماید، مردود و به شدت مورد نهی است. همچنین قالب تصاویر از چهره اهل بیت (ع) نیز همراه با هاله‌ای از نور و با پرده و نقابی بر چهره ارائه می‌گردید. علاوه بر مقوله تنزیه الهی، شواهد بسیاری دالّ بر استفاده از صورتگری به عنوان ابزاری برای ساحران و طلسم سازان وجود دارد:

«در سده‌های نخستین و میانه اسلامی یکی از راه‌های رایج در نوشتن سحر و طلسم، صورتگری بوده و احکام متعلق به حرمت تصویرگری، در حمایت و تسری و تعمیم احکام حرمت سحر و طلسمات بوده است. آنجا که سحر و طلسم حرام بوده، لوازم و ابزارهای سحر و طلسم هم که تصویر و تمثال بوده، حرام اعلام شده است» (ذیلابی، ۱۳۹۵ ش: ۱۱).

در آموزه‌های دینی اسلام نیز در باب نهی از مراجعه و استفاده از سحر و جادو تاکید بسیار شده است. یوع سحر در جامعه، امنیت روانی مردم را سلب، و از گناهان کبیره (رک: نهج البلاغه، خطبه ۷۹) و ساحر از جمله کافران شمرده می‌شود: «الْمُنْجِمُ كَالْكَاهِنِ وَالْكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ وَالسَّاحِرُ كَالْكَافِرِ وَالْكَافِرُ فِي النَّارِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۷/۱۴۳). همچنین از روایاتی که ساحران و

تصویرنگاران را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد: «مَنْ سَحَرَ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ صَوَّرَ التَّصَاوِيرَ فَقَدْ ضَادَّ اللَّهَ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳/۴۵۴) نیز می‌توان به این رابطه پی برد. ازین رو این مقوله نیز از جمله موضوعاتی است که شمایل‌نگاری را در اسلام تحریم نموده‌است.

۳- آثار و نتایج شمایل‌شکنی

در عنوان گذشته، موضوع شمایل‌شکنی در ادیان الهی به شکل موجز و خلاصه مورد بررسی قرار گرفته‌است. در ادامه آثار و نتایج حاصل از این مقوله به تفصیل و بحث گذاشته خواهد شد.

۳-۱- یهودیت

همانطور که مطرح شد، شمایل‌شکنی در یهود، سبب محدود شدن هنرهای تجسمی گشته و عهد عتیق رویکرد مساعدی نسبت به تصویر نداشته با این وجود، به امور تجسمی نظیر تابوت عهد، هیکل سلیمان و سایر امکان مقدس، اشاره شده‌است. تورات، به مانند اسلام معتقد است که ایمان به خداوند باید در غیاب تصویرسازی او صورت پذیرد. از این رو هنرهای تجسمی و بازنمودی از جمله تصویرنگاری، مجسمه‌سازی و... در دوره‌های پس از نهضت شمایل‌شکنی، مورد وقع و توجه قرار نگرفت و یهودیان، کمتر به این ساحت از هنر گرایش پیدا کردند. شاید بتوان ادعا کرد، تنها و بلکه مهم‌ترین اتفاق، پس از تحریم شمایل‌نگاری در یهودیت، گسترش و شکوفایی هنر خوشنویسی و خطاطی است. خوشنویسان یهودی، به تأسی از هنرمندان خوشنویسی اسلامی، کوشیدند تا بُعدی از اعجاز نهفته در کلام الهی را در قالب زیبایی و تناسب حروف و کلمات خوشنویسی، بر مخاطب آشکار سازند. «در دین یهود، هنر دینی، غالباً از طریق خوشنویسی بیان می‌شود. خوشنویسی در دین یهود، برای خویشتن‌شناسی، مورد امعان نظر قرار گرفته‌است:

«بنابراین دین‌های عرفان یهودی، خداوند الفبای عبری را در روز ششم خلقت و پیش از خلقت آدم آفرید (سفر خروج: ۵/۲۰) علاوه بر این تقدس، ممنوعیت هنرهای بصری به جهت تمثیل به بت پرستی نیز سبب رونق بازار خوشنویسی گردید. اگرچه خوشنویسی کاتبان یهودی جنوب اندلس در اروپا تحت نفوذ و ارتباط با اعراب ماهر در خوشنویسی پدید آمد. درنگاه ایشان حروف و کلمات عبری همان کلام الهی است و با خوشنویسی می‌توان حضور خداوند در کلمات را به

مخاطب القاء نمود و کاتب همانند حامل وحی الهی است» (رک: ابراهیم، خادمی نژاد، ۱۳۹۵ ش: ۴۸-۵۰).

ازین رو مهم ترین اثر شمایل شکنی در دین یهود، یکی ممنوعیت رشد تصویرگری و هنر بصری گشته و این ممنوعیت بستر بالندگی خوشنویسی کتاب مقدس را فراهم نموده است.

۲-۳ مسیحیت

بعد از یهودیت، طرفداران مسیحی مهم ترین بخش از حامیان شمایل انگاری را تشکیل داده و تاریخ اصلی را در این حوزه رقم زده اند. شمایل در انگاره مسیحی معنای قدسی و الهی داشته و فرد مسیحی اعتقادات خود را با طرحواره های تصویری که همواره در کلیساها در معرض دید او بوده است، ادغام نموده است.

نهضت شمایل شکنی که به دلایل مهمی از جمله: خطر پیدایش بت پرستی، نارسایی تصویر، نسبت به اصل، عدم امکان بازنمایی مسیح، و تحریم های کتاب مقدس، شکل گرفت، و دوره ای از تاریخ هنر بیزانسی را بخود، اختصاص داده بود (یاسینی، ۱۳۹۵ ش: ۷۸)، بعد از خود، آثار و نتایج قابل توجهی را به دنبال داشته است.

آثار مترتبه شمایل انگاری بر آثار هنری و کاربرد آن را می توان با پیگیری وقایعی که در ادامه رخ داده است، پی جویی نمود:

درست پس از درگذشت امپراتور «تئوفیلوس» (۸۲۴-۸۴۲ م)، همسرش، تئودورا، به شمائل گرایی توجه و آن را احیاء نمود. او به مقام اسقفی کلیسای متدیست منصوب شد و در سال ۸۴۳ م شورای کلیسایی در قسطنطنیه برگزار کرد که در آن، شمایل ها اعاده شد و به عنوان نمادهای دینی، حیاتی و بخش مهمی از آئین های عبادی کلیسا ارتدوکس در نظر گرفته شد. تقریباً از اواسط سده نهم میلادی به بعد که مقارن با غلبه قطعی شمایل گرایان است، مجدداً شمایل نگاری در بیزانس و اروپای غربی شکوفا گردید و عصر طلایی هنر بیزانس شکل گرفت. در این دوره، طبیعت گرایی و اسطوره گرایی هنر باستانی یونان (دوره کلاسیک)، همراه با جنبه های نمایشی عاطفی و ایجاد حس رنج و همدردی در تماشاگر در نقاشی های موزائیک و نقاشی های دیواری مورد توجه قرار گرفت (درودی، ۱۳۷۲ ش: ۲۰۵).

نفی بازنمایی طبیعت‌گرایانه، از ویژگی‌های مهم هنر صدر مسیحی بود. در حقیقت، تحریم طبیعت‌گرایی، از شاخصه‌های بارز هنر مقدس محسوب می‌شد؛ چرا که هنر مقدس، بهره‌مندی از چنین بازنمایی را نوعی دخالت در امر الهی می‌دانست. اما پس از جریان شمایل‌شکنی، و در دوره‌های بعد، خاصه در دوران رنسانس، و دوران یونانی مآبی، «ناتورالیسم» بصورت خیلی قوی در هنر مسیحی نمایان شد، و به تعبیری در چارچوب طبیعت‌گرایی گرفتار شد، بطوری که از آن دوران، بعنوان زوال یا انحطاط هنر مسیحی نام برده می‌شود (نصری، ۱۳۹۷ش: ۶۶).

بنابراین می‌توان دوران رنسانس را تحول و بازگشتی بر شمایل‌انگاری دانست. اگرچه ایجاد شمایل و تمایل دوباره از سر گرفته شد، اما این آثار هنری از روح قدسی برخوردار نبوده و تحت تاثیر جریانات مختلفی قرار گرفته بودند. هنر طبیعت‌گرایانه، تحت تاثیر تمدن روم، و یونانی مآبی بود، در تلاش بود تا در مظاهر مختلف هنری‌اش، به تحول و تجدد و همراهی با تغییرات پیرامون خود در این حوزه بپردازد.

آثار ادبی مربوط به قرن نهم میلادی به بعد، گواهی بر شکوه و جلال تزئینات صورت‌وار جدید بوده است. قطعه‌ای در میان گزیده‌های یونانی، در تقدیس و تکریم شکوه چهره مسیح در کاخ امپراطوری وجود دارد، که چنین است:

«پرتو حقیقت، بار دیگر تابانیده شده است. بار دیگر مسیح در آسمان‌ها، در حالی که بر تخت حکمرانی تکیه زده، دور از تاریکی‌های ارتداد نورافشانی می‌کند.» پس از تثبیت جایگاه شمایل‌ها در مسیحیت ارتدوکس، آنها ایمان خود را با عناصر کلامی، همچون مناجات‌نامه‌ها و نیز عناصر غیرکلامی و بصری، همانند شمایل‌نگاری، قوام بخشیدند و از طریق متون مقدس خود، سعی در ایجاد اتحاد و یکپارچگی در جهان مسیحیت کردند؛ آنچنان که تا به امروز و با گذشت بیش از هزار سال، به حیات دینی خود ادامه داده‌اند (غلامیان، ۱۳۹۶ش: ۸۸-۸۷).

از دیگر آثار شکست شمایل‌شکنان، تقویت «رهبانیت» بود، زیرا که اصحاب صومعه‌ها و راهبان آن از طرفداران سرسخت شمایل بودند:

«راهبان از فشارها و آزارها رها شدند و با تجدید سازمان خود، نقش هر چه بزرگ‌تر و مهمتری را در جامعه بیزانسی بر عهده گرفتند. به همین سبب، بتدریج، به تعداد گروندگان به نظام رهبانی افزوده شد. قوانین رهبانی اصلاح شد، صومعه‌ها سامان جدیدی یافتند و به یکی از جلوه‌های مهم حیات دینی در مسیحیت ارتدوکس تبدیل شدند. نکته دیگر اینکه، شمایل‌شکنی، از

جهتی تأثیر سازنده‌ای بر هنر و نیز نظریه هنر بر جای گذاشت. این فعالیت‌ها به شکل‌گیری نظریه عرفانی هنر شمالی دوستان انجامید و سبب شد تا خود شمالی‌شکنان، به هنر رئالیستی روی آورند. تا آن زمان، فقط هنر ایدئالیستی دینی در جامعه دینی بیزانس وجود داشت، اما امپراتورانی که با هنر دینی مخالف بودند و آن را نابود می‌کردند، از هنر غیر دینی حمایت، و آن را وارد کلیسا کردند (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶ش: ۷۲).

۳-۳ اسلام

تأثیرات شمالی‌شکنی و اتفاقات پس از آن، صرفاً به مسیحیت منتهی و محدود نشد، و بلکه نتایج حاصل از آن متوجه اسلام، بویژه در عرصه هنر و پیشرفت و گسترش قابل توجه در این ساحت گردید.

اگرچه علت یهودیان در جنبش شمالی‌شکنی، جلوگیری از بت‌پرستی و در مسیحیت، پرهیز از رویت‌پذیری خداوند بود، و مسلمانان نیز در این حیطة با ترکیب هنر و اسلام، از هرگونه شمالی‌نگاری که با روح قدسی دین در تضاد باشد، پرهیز نمودند:

«عدم‌گرایی به شمالی‌نگاری، به نحوی، به صورت جزء لاینفک هنر مقدس درآمد، و می‌توان گفت که یکی از اصول و مبادی، اگرچه نه اصل عمده هنر مقدس اسلام است. این امر، ممکن است در بادی امر، مغایر با موازین عرفی جلوه کند؛ زیرا پایه و اساس هر هنر مقدسی، تمثیل‌گرایی است و در دینی که برخی از مفاهیم آن در خصوص خداوند، در قالب تمثیل‌های انسانی بیان شده است. (مثلاً در قرآن از «وجه» خداوند و دست‌های او گفتگو شده است و خداوند بر عرش نشسته است) نفی تمثیل‌ها در ظاهر، به منزل تیشه زدن به ریشه هنرهای بصری است که با امور الهی سر و کار دارد» (اعوانی، ۱۳۷۵ش: ۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۳).

می‌توان گفت که پس از شکست شمالی‌شکنان، هنر اسلامی در غالب هنرهای انتزاعی و تزئینی، مملو از طرح‌های اسلیمی گسترش یافت که از مهم‌ترین و بارزترین آن، پویایی هنر خطاطی است و توانسته است، جای شمالی‌نگاری را جبران نماید.

خوشنویسی متون مقدس و معتبر، یکی از مهم‌ترین و بلکه معدود هنرهایی است که در غیاب نقاشی و صورتگری و پس از تحریم شمالی‌نگاری، به یهودیت، مسیحیت و اسلام راه یافته است. خوشنویسان یهودی و اسلامی کوشیده‌اند تا بعدی از اعجاز نهفته در کلام الهی را در قالب زیبایی

و تناسب حروف و کلمات خوشنویسی، بر مخاطب آشکار سازند. در این راستا، خطوط عبری و عربی که پیوند تاریخی عمیقی با یکدیگر داشتند، به عنوان دستمایه خوشنویسان یهودی و اسلامی برای نگارش کتاب مقدس عبری، قرآن و سایر متون معتبر، مورد استفاده قرار گرفتند تا باعث افزایش اعتبار این امور، در چشم دین داران و جلب توجه آنان باشند. البته اشاره به فضیلت کتابت، که در خود این متون نهفته است نیز در پرورش هنر خوشنویسی مؤثر بود و سبب شد تا هنر خوشنویسی به چنان مرتبه‌ای از تکامل و تعالی برسد که از زیانگاری و زیبانیسی محض، به نوعی هنر قدسی ارتقاء یابد. عشق و علاقه و صف ناپذیر هنرمندان به کلام وحی، موجب گردید تا آنان تمام توان خود را در هر چه زیبا نوشتن قرآن و تورات به کار گیرند. در هندسه روحانی هنر خوشنویسی، زیبایی، هماهنگی و استواری در حد کمال به هم آمیخت و هنری نمادین از نگاه عارفانه تفسیری که برآمده از مکاشفه معنوی خوشنویس از عالم قدس است. علاوه بر آن، هنرمندان مسلمان و یهودی برای پدید آوردن آثار فاخر خود، دارای اعتقاد، ابزار، قوانین و آداب مشترک هنر خوشنویسی هستند و می‌کوشند پرتوی از اثر جمال الهی را در اثرشان نشان دهند. بر این مبنا می‌توان مدعی بود که هیچ هنر بصری به اندازه خوشنویسی در یهود و اسلام دارای صراحت در انتقال تقدس و در ایجاد و تحکیم خداباوری، مؤثر نبوده است.

پس از شکست جریان شمایل‌شکنی، هنر اسلامی، از جمله نقاشی و بطور اخص، مینیاتور به هنر انتزاعی بدل شد. تلقی مسلمانان در مورد نقاشی، نفی ناتورالیسم، یا رئالیسم به معنای جدید آن است که در آن موجودات طبیعی به همان صورت طبیعی نمایش داده می‌شوند. از این رو در نقاشی‌های موجود در تمدن اسلامی مثل مینیاتورها، ابعاد مادی موجودات و چشم‌انداز دیده نمی‌شود؛ چنانکه در شمایل‌نگاری مسیحیان تا قبل از دوره مدرن هم چنین چیزی دیده نمی‌شود. به همین دلیل، محققان غربی نقاشی‌های موجود در تمدن اسلامی را انتزاعی یا تجربیدی می‌دانند (پازوکی، ۱۳۹۶ش: ۶۷). وجه تخیلی هنر اسلامی، بعنوان یک شاخص، که بعد از جریان شمایل‌شکنی در هنر اسلامی، مکان و منزلت یافته، مبتنی بر این نظریه عرفانی اسلامیت که هنرمند از طریق صفای باطن خویش، به عالم خیال متصل می‌شود، و لذا می‌توان گفت که هنرمند اسلامی اهل تخیل است. بنابراین اگر تقلید او ناظر به موجودات محسوس خارجی باشد. حتی می‌توان هنر «مینیاتور» را به جهت لطافتی که در آن وجود دارد، حاصل انعکاس فضائل و یا یک شهود عرفانی دانست.

بنابراین پژوهش، دو علت عمده در کارکرد تصاویر را در اسلام منع نموده است، یکی در تقابل با پرستش آنها به مثابه بت، و دیگری استفاده از آن به عنوان ابزاری بر سحر و طلسم. در اولی درصد مبارزه با عقاید شرک آمیز و در دومی در نفی فضایی غیر عقلانی و مبتنی بر موهومات و سلب امنیت از افراد جامعه، به تحریم صورتگری اقدام شده است. ازین رو هنر نگارگری و هنر مینیاتور با مضامینی که حاوی مباحث عرفانی و شهودی و حماسی بوده است، گسترش یافته است. ازین رو این دست از هنروری‌ها در نگاه هنرمندان، هرگز در دایره فعالیت‌هایی که طبق آموزه‌های دینی مستحق عذاب الهی شمرده شده است، تلقی نمی‌گردیده و اصولاً خارج از دو حیطه تحریمی که مطرح شد، دارای مفسده و پیامدی سوء نخواهد بود.

۲۴۳

پژوهشنامه ادیان

نتیجه‌گیری:

- جنبش شمایل‌شکنی با طرح این دلیل مهم که نقاشی کردن تصاویری که خداوند را بازنمایی می‌کند، بت‌پرستی و کفر است، شکل گرفت. استدلال شمایل‌شکنان، اینگونه بود که بازنمایی تصویری از خداوند، امکان ندارد، هیچ تصویری نمی‌تواند ذات خداوند را تصویر کند. بازنمایی تصویری از خداوند، نه فقط غیر ممکن، بلکه ناشایست نیز می‌باشد.
- جنبش شمایل‌شکنی، شروع تحولات و تغییرات قابل توجهی در مباحث کلامی و حوزه‌های هنری بود. ادیان بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام، هر کدام پس از شکست جریان شمایل‌شکنی در بیزانس، متأثر از اتفاقات بعد از آن شدند و این جریان، بر هر یک از ادیان، در حوزه‌های کلامی و هنری، تأثیرات مهم، قابل توجه و متفاوتی، به همراه داشته است.
- شاید مهم‌ترین و بارزترین اتفاق، پس از تحریم شمایل در میان یهودیان، محدود شدن هنرهای تجسمی و مغفول ماندن هنرهای بازنمود است. قطع نظر از این تأثیرات سلبی ناشی از تحریم شمایل‌نگاری، یک تأثیر ایجابی هم در هنر یهودی، قابل توجه است و آن، پیشرفت و گسترش هنر خوشنویسی و خطاطی پس از شکست جریان شمایل‌شکنی است که به موازات پیشرفت این هنر در میان هنرمندان مسلمان، از تقدم قابل قبولی برخوردار بوده است.
- طبیعت‌گرایی، اسطوره‌گرایی هنر باستانی یونان، همراه با جنبه‌های نمایشی و عاطفی و ایجاد حس رنج و همدردی در تماشاگر، در نقاشی‌های موزائیک و نقاشی‌های دیواری، گسترش

تزئینات هندسی در کلیساها و اماکن مقدس، ساخت کلیساها، گسترش رهبانیت را می‌توان از آثار و نتایج شمایل‌شکنی در مسیحیت، برشمرد.

- گسترش هنر خوشنویسی و خطاطی در اماکن مقدس، خاصه در مساجد، به همراه هنر تذهیب و پیشرفت معماری اسلامی، و همراهی آن با هنرهای تزئینی و طرح‌های اسلیمی رواج و بسط سبکی از نقاشی «مینیاتور»، برای بیان شهود عرفانی، و موارد دیگر، از جمله آثار و نتایج بعد از تحریم تصویرنگاری در اسلام می‌باشد.

۲۴۴

پژوهشنامه ادیان

کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۴۱۵ق)، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، قم: دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۹ش)، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشهور.
- کتاب مقدس، (۱۳۸۳ش)، انتشارات اساطیر.
- عهد عتیق، (۱۳۸۰ش)، کتاب‌های قانونی ثانی بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه: پیروز سیار، تهران: نشر نی.
۱. اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۵ش)، حکمت هنر معنوی، (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات گروس.
 ۲. ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد، (۱۴۰۶ق)، فتوحات مکیه، تحقیق و تقدیم، عثمان یحیی، مصر، هیئته المصریه العامه للکتاب.
 ۳. ابراهیم، علی رضا؛ خادمی نژاد، محمدتقی، (۱۳۹۵ش)، جایگاه هنر خوش‌نویسی در نگارش متون مقدس اسلامی و یهودی، دوفصلنامه هفت آسمان، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صص ۴۱-۶۲.
 ۴. اسکندری، ایرج، (۱۳۷۸ش)، بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از ماقبل تاریخ تا عصر حاضر، فصلنامه هنرهای تجسمی، شماره ۵، صص ۱۹۸-۲۱۳.
 ۵. اوسپنسکی، لئونید، (۱۳۸۸ش)، معنای شمایل‌ها، ترجمه محمد داودی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
 ۶. براندون، اس. جی. اف. (۱۳۸۵ش)، انسان و تمثیل مفاهیم، ترجمه: حمیدرضا قربانی، کتاب ماه هنر، شماره ۹۷، صص ۱۲۲-۱۲۹.
 ۷. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۸۶ش)، مبانی هنر اسلامی، ترجمه امیر نصری، انتشارات حقیقت.
 ۸. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۹۶ش)، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، انتشارات، سروش، چاپ هشتم.
 ۹. بیالوستوکی، یان، (۱۳۸۵ش)، شمایل‌نگاری، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، ترجمه: صالح حسینی، تهران: انتشارات سعادت.
 ۱۰. بازارگاد، بهاء‌الدین، (۱۳۵۶ش)، تاریخ نوین فلسفه، تهران، نشر فروغی.
 ۱۱. پازوکی، شهرام، (۱۳۹۶ش)، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران، فرهنگستان هنر.
 ۱۲. تاتار کیویچ، ولادیسلاف، (۱۳۹۶ش)، تاریخ زیبایی‌شناسی، ترجمه هادی ربیعی، تهران، انتشارات مینوی خرد.
 ۱۳. سعید درودی، (۱۳۷۲ش)، اطلاعات عمومی سخن، تهران: انتشارات سخن.

۱۴. ذیلابی، نگار، (۱۳۹۵ش)، پیوند طلسمات و صورتگری در اسلام، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۲۳، صص ۳-۲۸.
۱۵. رومبلد، گونتر، (۱۳۷۴ش)، چالش‌های مقدس، فصلنامه هنر، ترجمه محمد فرمانی، شماره ۲۸، صص ۲۸۱-۲۹۶.
۱۶. عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البت علیهم السلام.
۱۷. عباسی، مژگان، (۱۳۸۸ش)، پایان نامه بررسی تطبیقی شمایل‌شکنی بیزانس و تحریم تصویری در اسلام (۳ قرن اول)، دانشگاه هنر.
۱۸. غلامیان، ریحانه، (۱۳۹۶ش)، شمایل‌نگاری در کلیسای ارتدوکس، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۹. کومارا سوآمی، (۱۳۹۳ش)، آنداتا، فلسفه هنر مسیحی و شرقی، ترجمه: امیرحسین ذکرگو، تهران: فرهنگستان هنر، چاپ سوم.
۲۰. گتر، جوزف، (۱۳۸۶ش)، سرگذشت دین‌های بزرگ، ترجمه: ایرج پزشک‌نیا، تهران: انتشارات جامی.
۲۱. میرشکاری، جواد، (۱۳۹۲ش)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران: نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۲. نصری، امیر، (۱۳۹۷ش)، حکمت شمایل‌های مسیحی، نشر چشمه، چاپ دوم.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل‌البت علیهم السلام.
۲۴. وزیری، علی نقی، (۱۳۷۳ش)، تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران: انتشارات هیرمند.
۲۵. یاسینی، سیده‌راضیه، (۱۳۹۵ش)، شمایل‌نگاری دینی در ایران و غرب از آغاز تا دوره معاصر، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
26. Cook, John, w. (2005), iconography, Christian iconography encyclopedia of religion, second education, USA: Thomson gale, Vol 7.
27. Fortountto, Marianna, Cunningham, Mary b. (2009). Theology of the icon, the Cambridge companion to orthodox Christian theology new York; the Cambridge university press .
28. Jensen, Robin m. (2011). Living water, Boston; brilliant, Vol: 105.
29. McFarland, John a. (2011). Thr Cambridge dictionary of Christian theology, New York: Cambridge.
30. McGuckin, John Anthony (2011), The Blackwell encyclopedia of eastern orthodox Christianity, Vol .1. USA: Blackwell.
31. Parry, Ken (2007), The Blackwell companion to eastern Christianity USA: Blackwell.